

سیری در تطوّر معنایی - تاریخی «حلال»

حامد صادقی^۱، نفیسه صادقی^{۲*}

۱- استاد حوزه علمیه و عضو هیئت علمی مرکز ملی تحقیقات حلال تهران، ایران

۲- گروه کنترل دارو و غذا، دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

پذیرش مقاله: ۱۴ مهر ۱۳۹۷

دریافت مقاله: ۲ مرداد ۱۳۹۷

چکیده

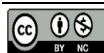
فهم صحیح و دقیق هر معنا یا مفهومی در اولین گام خود، به رمزگشایی از واژگانی نیازمند است که وظیفه انتقال آن معنا را به دیگران به عهده دارد. عدم درک درست از واژگان یک علم، تفسیر نادرستی از آن را به همراه دارد و شناخت دقیق آن واژگان، سهم بسزایی در فهم دقیق و کامل مسائل آن علم دارد. در این جستار سیر تطوّر معنایی- تاریخی واژه «حلال» در ادیان و نحله های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و ریشه شناسی شده است؛ به تاریخچه حلال و حرام از خلقت حضرت آدم و در ادیان و نحله های هندوئیسم، بودیسم، زرتشت و ادیان ابراهیمی پرداخته شده است و با ارائه تصویری دقیق و جامع از این واژه و نیز بیان تاریخچه آن نزد قدما، چراغ راهی برای پژوهشگران این حوزه وسیع فراهم شده است. حلال در لغت به معنی گشاینده، گشایش، گره گشایی و راحتی است. در اصطلاح فقه، حلال حکمی وضعی است نه حکم تکلیفی. کلمات دیگری نیز در ادبیات دینی و استعمالات امروزی در همین معنا به کار رفته است؛ به عنوان مثال واژه های طیب، Green سبز، طاهر، اسلامی، سالم، پاک، مذکی و مصفی؛ اما جامع، کامل و پرکاربردترین آنها واژه «حلال» است. در بیان معنای حلال از نگاه اسلامی به وضوح آمده است که حلال در اسلام صرفاً جنبه تشریحی و تبعیدی ندارد، بلکه برآورنده منفعت، صلاح، فلاح و آرامش نسل های بشر است و جنبه های مختلف جسمی، ذهنی، روانی و روحانی او را نیز در بر می گیرد و استفاده از محصول حلال سلامت و سعادت را به همراه دارد. مقاله حاضر پژوهشی بنیادی با روش توصیفی- تحلیلی به شیوه کتابخانه ای است.

کلمات کلیدی: حلال، تطوّر تاریخی، سلامت و سعادت، حکم وضعی، گره گشایی و راحتی.

* نویسنده مسئول: نفیسه صادقی، آدرس ایمیل: nsadeghi@sina.tums.ac.ir، شماره تماس: ۶۶۴۸۷۹۳۴ - ۰۲۱

[view Journal](#)

<https://doi.org/10.30502/H.2019.88070>



This paper is open access under [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license](#)

مقدمه

واژه حلال از کلمات پراستعمال به ویژه در میان مسلمان است. در قرآن کریم نزدیک به پنجاه مرتبه از این ریشه در اشتقاقات و معانی مختلف، از خوراکی^۱، حج^۲، مسایل مالی^۳، ازدواج^۴ تا هم بستری^۵ و سایر موارد استفاده شده است.

همچنین مفهوم حلال به عنوان ضوابط و قواعد مربوط به خوراکی ها و آشامیدنی ها سایر شئون زندگی، مورد توجه تمامی افراد بشر و نحله ها و ادیان الهی و غیر الهی بوده و هست.

اما علی رغم این کثرت استعمال، معنای واضح و روشنی برای این واژه ی به ظاهر بدیهی المعنی، یافت نمی شود و حتی مفتیان مسلمان و نیز شرکت ها و جریان های مدعی حلال در دنیا نیز تعریف دقیقی از آن ارائه نکرده اند؛ از این رو تصویری مبهم از آن وجود دارد که مانع درک رابطه آن با هنر، معماری، مد و لباس، رسانه و ... را می شود. بنابراین در این مطالعه به کنکاش و بررسی معنایی تاریخی حلال پرداخته شده و تا حد امکان، تصویری روشن، دقیق و جامع از آن ارائه شده است.

حلال در لغت به معنی گشاینده، گشایش، گره گشایی و راحتی است. در اصطلاح فقه، حلال حکمی وضعی است؛ یعنی قراردادی از سوی خداوند متعال و مرتبط با ماهیت آن است و حکم تکلیفی به معنی وجوب یا حرمت نیست.

کلمات دیگری نیز در ادبیات دینی و استعمالات امروزی در همین معنا به کار رفته است؛ به عنوان مثال واژه های طیب، Green سبز، طاهر، اسلامی، سالم، پاک، مذکی و مصفی؛ اما جامع، کامل و پرکاربردترین آنها واژه «حلال» است.

در بیان معنای حلال از نگاه اسلامی به وضوح آمده است که حلال در اسلام صرفاً جنبه تشریحی و تبعیدی ندارد، بلکه برآورنده منفعت، صلاح، فلاح و آرامش نسل های بشر است و جنبه های مختلف جسمی، ذهنی، روانی و روحانی او را نیز در بر می گیرد و استفاده از محصول حلال سلامت و سعادت را به همراه دارد.

حلال در لغت و اصطلاح:

هرچند ممکن است این واژه بسیار روشن و واضح به نظر آید، اما برخلاف استعما استفاده بسیار از آن، به معنای دقیق لغوی و حتی اصطلاحی آن توجه نمی شود و معنی ناقص و غیر دقیقی از آن به اذهان تبادر می کند؛ از این رو در ابتدا برای روشن شدن سرچشمه بحث و فهم موضوع، به تبیین کلمه «حلال» در لغت و نیز اصطلاح آن در زمینه خوراکی ها، آشامیدنی ها و ... در میان علما و عرف می پردازیم.

حلال در لغت

لغت حلال یک واژه عربی است که از مصدر «حَلَّ يَحِلُّ حَلًّا و حُلُولًا» و در موارد نادری از ریشه «حَلَل» (بدون تشدید) گرفته شده است [۱].

^۱ نحل / ۱۱۴ - بقره / ۱۶۸

^۲ مائده / ۲

^۳ بقره / ۲۷۵ - نساء / ۱۹

^۴ احزاب / ۵۰

^۵ بقره / ۱۸۷

^۶ هود / ۳۹ - طه / ۲۷ - حج / ۳۳

با دقت در معانی و استعمالات مختلف، این نکته آشکار می شود که معنای واحدی در تمامی استعمالات واژه حلال وجود دارد و در واقع اصل معنا یکی است که در موارد مختلف، دارای مصادیق متفاوتی شده است و همین اختلاف در مصداق، باعث توهم وجود معانی متفاوت شده است. معنی اولی و اصلی این واژه همان گشودن و باز شدن گره است و سایر استعمالات با توجه به همین معنا استفاده شده است؛ به زوجین از آن جهت حلیل و حلّیله گفته می شود که بدون هیچ گره و گرفتاری، با هم در ارتباط هستند؛ مکان نزول و فرود آمدن را از آن جهت محل می گویند که رنج و سختی سفر در آن هموار شده و گره بار همراه در آنجا باز می شده است؛ به مکان زندگی از این رو محل و محله می گویند که در آنجا راحتی و فراخی و آرامش فراهم است؛ به کسی که از احرام خارج شده نیز به این دلیل حل گفته می شود که موانع استفاده از لذت ها برای او برداشته شده است؛ به محل خروج بول و خروج شیر از حیوان هم احلیل می گویند، چون باعث گشایش و راحتی است؛ حلال نیز از این رو که گشاینده و بازکننده ماده دیگر است، حلال نامیده شده است؛ علت آنکه متناقض حرام، حلال نامیده شده است، این است که حلال بدون گره و گرفتاری و روان و راحت قابل استفاده است.

از آنچه بیان شد، روشن می شود که لغت حلال به هرآنچه روان، راحت، بدون گرفتاری، مشکل و گره و همچنین بدون ناراحتی و سختی باشد، گفته می شود؛ علامه طباطبایی در این زمینه می فرماید: «و الحل مقابل العقده، و هو فی جمیع موارد استعماله یعطی معنی حریه الشیء فی فعله و أثره»؛ حل واژه

لغت شناسان برای این واژه و مشتقات آن معانی متعددی بیان کرده اند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

گشودن گره: حَلَّتْ الْعُقْدَةُ أَحْلَاهَا حَلًّا: فتحها همسر: الحلیل و الحلیلة: الزوجان [۲].

جای زندگی و نزول و فرود آمدن: الحَلُّ الحُلُولُ و النزول المَحَلَّة: مَنْزِلُ الْقَوْمِ [۳].

پرداخت قرض و دین: حَلَّ الدَّيْنُ صَارَ حَالًا أَيْ أَنْتَهَى أَجْلَهُ فَوَجَبَ أَدَاؤُهُ، وَ كَانَتْ الْعَرَبُ إِذَا رَأَتْ الْهَلَالَ قَالَتْ: لَا مَرْحَبًا بِمُحَلِّ الدَّيْنِ وَ مُقَرَّبِ الْأَجَالِ [۴].

وارد شدن: أَحَلَّتِ الشَّاءُ، يَعْنِي شِيرَ دَرِ پستان گوسفند وارد شد

خروج از احرام حج: رَجُلٌ حَلَّ أَيْ غَيْرَ مُحْرِمٍ وَ لَا مَلْتَبَسَ بِأَسْبَابِ الْحَجِّ [۵].

منطقه خارج از مکه: الْحِلُّ مَا جَاوَرَ الْحَرَمَ [۶].

محل خروج بول: إِحْلِيلٌ: مَخْرَجُ الْبَوْلِ مِنْ ذَكَرِ الْإِنْسَانِ وَ مَخْرَجُ اللَّبَنِ مِنَ الثَّدِّ وَ الضَّرْعِ [۷].

جامه و لباس: حُلَّةٌ - زيرجامه و رو جامه (إزار- رداء). [۸].

مقابل حرام: الْحَلَالُ ضِدُّ الْحَرَامِ [۹].

ماده ای که ماده دیگر را در خود حل کند: حَلَّالٌ - [حلّ]: مبالغه‌ی «الحال» بمعنای «الفاک است»؛ بسیار گشاینده [۱۰].

معانی و استعمالات فراوان دیگری نیز برای این واژه گفته شده که از حوصله این پژوهش خارج است.

ای در مقابل عقد است که در همه موارد استعمال خود، معنای آزادی شیء در فعل و اثرش را داراست [۱۱].

بنابر آنچه گفته شد، چندین به دست می‌آید که لغت حلال با لغاتی مانند کوشر Kashrut در عبری یا واژه رُبا Roba و اخوردار Xvardar در پارسی آیین زرتشتی و کلمات Permissible, lawful, legal, Allowed در انگلیسی بسیار متفاوت است و شاید به جهت همین عمق و لطافت است که این لغت امروز واژه ای جهان شمول شده است.

حلال در اصطلاح:

حلال امروزه یک اصطلاح موررد توجه در تمام دنیا است و برای تمامی افراد بشردر اقصی نقاط عالم واژه ای آشنا است. این واژه، یک اصطلاح دینی در میان مسلمان است و می توان حداقل چهار زمینه استعمال برای آن بیان نمود:

حلال به عنوان حکم تکلیفی به حکمی که متوجه انسان است و برای او تکلیف آور است، گفته می شود^۷ [۱۲]. در مقابل حرام تکلیفی؛ یکی از اصطلاحاتی که در فقه و ادبیات شرعی توسط فقها به کارگرفته می شود، حلال به معنی حکم تکلیفی در مقابل حرام است [۱۳]. و شامل احکام واجب، مستحب، مباح و حتی مکروه می شود. اگر چه این واژه بدین معنا فراوان در بیان فقها استفاده شده، اما به نظر نگارنده، استفاده از این معنا، دقیق و صحیح نیست و این استعمال ناشی از خلط مبحث و استعمال

غیرفنی واژه حلال است [۱۴]. در ادامه به بررسی این استعمالات می پردازیم.

حکم تکلیفی به معنای مباح:

در برخی از استعمالات فقها، حلال به عنوان حکم تکلیفی و به معنی مباح استعمال شده است [۱۲]. در این اصطلاح، حلال شامل حرام، مکروه، مستحب و واجب نمی شود.

حکم تکلیفی در مقابل حرام و مکروه:

در مواردی، مراد استعمال کننده از حلال، حکم تکلیفی ای است که حرام یا مکروه نباشد^۸. [۱۲، ۱۵].

این دو استعمال و به طور ویژه استعمال حلال به عنوان حکم تکلیفی، استعمالی نادرست است؛ زیرا استعمال حلال در برخی از احکام تکلیفی در روایات و آیات قرآن، مانند آیات اَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّقْتُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ، اَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ، يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا اَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ، یا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا اَحَلَّ اللَّهُ لَكَ و ... ناظر به معنای لغوی کلمه حلال است و نه معنای اصطلاحی آن (و منشأ آن تضاد کلمه حلال و حرام است. و از آنجا که حرام به عنوان حکم تکلیفی مطرح شده است، حلال نیز به عنوان حکم تکلیفی استعمال شده که این استعمال مخالف معنای لغوی و نیز اصطلاح دقیق فقها و اصولیون است. آنچه مقابل حرام تکلیفی است، وجوب، استحباب، اباحه و کراهت است که در کلمات علما به صورت واضح و مبرهن بیان شده است، نه

^۷ الحکم الموجّه مباشرة إلى سلوك الانسان في مختلف جوانب حياته الشخصية والاجتماعية، و ينقسم إلى الأقسام الخمسة

صید و ذباحت ناظر به این معنی است. در مقابل آن حکم وضعی حرام است؛^۹ حکم وضعی حرام به معنای ممنوع، ناروا، ناشایست، دارای مشکل و گره است؛ باید به این نکته توجه کرد که هر دو اصطلاح حلال و حرام با اصطلاح مشابه در حکم تکلیفی متفاوت و مغایر است اصطلاح حکم وضعی با معنای لغوی تطابق کامل دارد و در استعمال معنای اصطلاحی نیز بسیار مورد استفاده قرار گرفته است.

به زبان ساده، حلیت با نگاه دقیق، شبیه نجاست و پاکی است. این که بیان شد حلال حکم وضعی است، بدین معناست که این حکم، قانون و اعتباری از سوی خداوند است که به اشیاء مختلف مثل گوشت گوسفند یا گوشت زرافه یا نوشیدنی به دست آمده از سیب یا انگور اطلاق می شود؛ همان گونه که درباره ادرار، آب، روغن، خون و مدفوع قانون وجود دارد و بعضی از آنها پاک و برخی نجس هستند. این حکم مربوط به خود آن اشیاء است و ربطی به فعل و عمل انسان ندارد. بسیاری از دستورات تکلیفی مانند

اصطلاح حلال؛ هر چند این استعمال نادرست بسیار رایج بوده و موجب فهم نادرست نیز شده است.

حکم وضعی^۸

منظور از حکم وضعی، حکم شرعی مستنبط از احکام اسلامی است که ارتباط مباشر و مستقیم با تکلیف انسان ندارد و حکم خود آن شیء یا مسأله است؛ مانند طهارت، نجاست، زوجیت و اسباب شرعی و...؛ به عنوان مثال، وقتی به غذا حلال اطلاق می شود، حکم خود غذا است که بیان شده است، فارغ از اینکه تکلیف مکلف چیست؛ زیرا ممکن است در مواقعی حتی مصرف یک کالا واجب شود، علی رغم آنکه حکم وضعی آن حرام است یا در مواقعی مصرف آن حرام باشد با آنکه آن خوراکی حلال است، مانند خوردن گوشت سگ برای ضرورت حفظ نفس در جایی که چیزی پیدا نمی شود و یا خوردن گوشت گوسفند در مجلس شراب و گناه.

یکی از موارد استعمال واژه حلال، به عنوان حکم وضعی است. استعمالات فقها در باب اطعمه و اشربه،

العلامة شيخ صدرای باکویی قدس الله نفسه الزکیه تقریب درس کفایه اش را که خطی دارم در آن تقریر دیدم تصریح دارند که جعل قوانین احکام وضعیه جعل قوانین است. در اصطلاح عربی تاریخ معاصر هم قانون را همین قانون های رسمی حکومتی را قوانین موضوعه می گویند موضوعه یعنی وضع شده. تعریف حکم وضعی در یک جمله حکم وضعی عبارت است از جعل شرعی نسبت به قانون های مربوط به نظم اجتماعی مثل ممنوعیت از رفت و آمد و مثل قانون شهرداری ها و مثل قانون رانندگی» [۱۷]

^۹ «المحرّم من الإِبِلِ مثل العرْضِيّ، و هو الذَّكُولُ الوَسَط، الصَّعب النَّصْرَفُ حينَ تَصْرَفُهُ المَحْرَمُ من الجلود؛ ما لم يَدْبِغْ أودبِغْ فلم يَتَمَرَّنْ و لم يَبَالِغْ و جِلْد مَحْرَمٌ : لم تَتَمَّ دِبَاغَتُهُ. و سَوَطٌ مَحْرَمٌ : جَدِيدٌ لَمْ يَلْيَنُ بَعْدُ» [۵] «حرام یعنی ممنوع بودن از چیز» [۱۸]

^{۱۰} «الحرام هو القسم الثالث من أقسام الحكم التکلیفی و الحرام هو ما طلب الشارع الكف عنه على وجه الحتم و الإلزام، فيكون تاركه مأجورا مطيعا، و فاعله أئما عاصياً». [۱۹]

^۸ الوضع لغة الحط و الطرح، و وضائع الملك ما يوضع عليها من الخراج و الضريبة، كوضع الزكاة على الاموال، و شرعا هو الاعتبار و الجعل لا من حيث الاقتضاء و التخيير، لعدم تعلقه بفعل فيه اقتضاء البعث و الزجر. فالحكم الوضعي هو ما عدا الاحكام التکلیفیة كان له ربط و تأثير في الحكم التکلیفی كسببية الدلوک لوجوب الصلاة، أو في متعلقه و موضوعه، كالجزيئة المنتزعة عن جعل شيء جزءا لمتعلق الامر، او لم يكن له ذلك. و الاحكام الوضعية لا تتعلق بافعال المكلفين و لا بذواتهم ابتداء، فانها اعتبارات شرعية او منتزعة عن تكليف شرعي، و متعلقة بامور قد يتعلق بها تكليف يوجه الى المكلف، مثلا: الملكية التي يجعلها الشارع عند وقوع عقد البيع، لم تتعلق بفعل المكلف، و لكن بواسطتها تتعلق بفعله احكام تكلیفیة، كتنظيم التصرف في المال المباع، لانه تصرف في مال الغير بدون اذنه. و هكذا في غيرها من الاحكام الوضعية [۱۶]

«اما حکم وضعی عبارت است از جعل شرعی به عنوان امضاء. اما تعریف: حکم وضعی عبارت اخری قوانین موضوعه است. استادان

حرمت اکل یا وجوب اجتناب در نماز و... از این قوانین وضعی به دست می آید.

اصطلاح روز:

امروزه واژه حلال در دنیا بسیار پرکاربرد است و می توان گفت، تمامی انسان ها با هر زبانی با این کلمه آشنا هستند و آن را در حوزه های بسیاری از جمله خوراکی ها آشامیدنی ها، مواد آرایشی و بهداشتی، دارو، مد و لباس، رسانه، معماری، هتلداری، گردشگری، اقتصاد، بیمه و بانک داری و ... به کار می برند و به هر چیزی که مطابق با احکام و قواعد اسلامی باشد، عنوان حلال اطلاق می کنند و بدین گونه امروزه «حلال» عبارت دیگری برای بیان اسلامی بودن کالا به شمار می آید.

تعریف حلال:

با توجه به مطالب ارائه شده، می توان گفت: به هر تناسب، اعتدال، صحت سلامت که در آن گره، گرفتاری، ناراحتی و سختی نباشد و مورد تأیید اسلام نیز باشد اصطلاح حلال اطلاق می شود. پس آنچه شریعت به اجتناب از آن دستور داده است، حلال نیست؛ آنچه خداوند حکم به پلیدی آن نموده نیز حلال نیست؛ همچنین آنچه عامل گرفتاری، بیماری، ظلم و نکبت است، حلال نیست؛ و آنچه مطابق طبع و شرع و عقل است و عامل سعادت و سلامت حلال است.

کلمات دیگری نیز در ادبیات دینی و استعمالات امروزه در همین معنا به کار رفته است؛ مانند طیب، Green، سبز، طاهر، اسلامی، سالم، پاک، مذکی

و مصفی؛ اما جامع کامل و پرکاربردترین آنها واژه «حلال» است.

پیشینه حلال

در این بخش از مقاله، به معنای متداول حلال که بیشتر در خوردنی ها و آشامیدنی ها کاربرد دارد، با هدف تبیین تاریخچه مختصری از موضوع توجه شده است.

می توان گفت با خلقت آدم و حوا اولین نکاتی که به آنها بیان شد، حلال و حرام بود. خداوند به پدرمان آدم و مادرمان حوا خوردنی های حلال و خوردنی های حرام را اعلام کرد.

«و قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (بقره/۳۵) از آیه قرآن به روشنی مشخص می گردد که حلال ها بسیار و بی شمار است و حرام اندک و ناچیز. چنانچه قرآن می فرماید بعد از خوردن آن خوراکی حرام، گرفتاری ها و سختی ها و مشکلات برایشان پدید آمد (فَدَلَّهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ نَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْتُ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ) (اعراف/۲۲)

اولین گیاه حرام، شجره ممنوعه

اولین خوراک غیر حلال در تاریخ بشری، شجره ممنوعه است که در شریعت ها کتب مختلف به آن پرداخته شده و برای آن مصادیق مختلف و حکمت ها و قصه های متفاوت بیان شده است.^۱ [۲۰، ۲۱].

^{۱۱} در والگیت (ترجمه کتاب مقدس به زبان لاتین)

(در ترجمه کتاب پیدایش) ۱۷: ۲ چنین آمده:

حلال در آیین هندوئیسم

بسیاری از هندوها امروزه گیاه خوار هستند و از خوردن گوشت حیوانات اجتناب می کنند و بر اساس باورهای مذهبی، آن را آهیمنسا (عدم خشونت) می دانند و به منظور رعایت آهیمنسا (عدم خشونت) از خوردن گوشت دوری می کنند. بر اساس باور هندوها حتی آنها که گیاه خوارند، گاو حیوان مقدسی است و نباید از گوشت آن خورد و در برخی ایالات هند، کشتن گاو برای غیرهندو ها هم ممنوع و حرام است. [۲۲].

در آیین هندو، نوشیدن نوشیدنی های مست کننده نیز نهی شده و بسیاری از هندوها از نوشیدنی های الکلی دوری می کنند.

حلال در آیین بودیسم

بوداییان نیز از نوشیدنی های مست کننده استفاده نمی کنند و در تعالیم بودا از خوردن آن نهی شده اند. کشتن حیوانات در تعالیم بودا عملی قبیح است (کسی که باعث مرگ موجود زنده شود، شانس او را برای روشنی می گیرد). بودا از خوردن گوشت اجتناب می کرده و از ۵ دستور این آیین، دوری از زائل کنندگان عقل مانند مشروبات است فرامین پنجگانه ی بودیسم که برپایه ی اخلاقیات هستند عبارتند از:

۱. نگرفتن جان از موجود جاندار
۲. نگرفتن مالی که حق شما نیست
۳. پرهیز از سوء رفتار جنسی
۴. پرهیز از گفتار دروغ

۵. پرهیز از مصرف هرگونه مشروبات الکلی و مخدراتی که عقل را زائل می کند [۲۳]. همچنین بوداییان از خوردن شیر و لبنیات نیز اجتناب می کنند و از خوردن برخی صیفی جات هم منع شده اند.

حلال در آیین زرتشت

در آیین زرتشت نیز به مسئله خوراک توجه شده است. خوردن گوشت حیوانات غیر سم دار ممنوع است و از گوشت گوسفند، گاو، بز، شتر، آه سو، گاو میش و گوزن استفاده می کردند [۲۴].

برخی از زرتشتیان هم با توجه به قداست گاو از کشتن و خوردن گوشت آن اجتناب می کنند؛ هم چنین در متون زرتشتی خوردن سارگر، کلاغ و کرکس حرام اعلام شده [۲۵].

خوردن گوشت خوک هم در ابتدا چون خرفستر (نجاسات و کثافت) می خورد، ممنوع بود، اما خوک خانگی و پرورشی مجاز اعلام شد [۲۴]. هم چنین خوردن گوشت خام در آیین زرتشت ممنوع و عامل بدخو شدن معرفی شده است [۲۶].

نوشیدن شراب در ابتدای ظهور دین زرتشت امری مذموم بوده است که بعدها با تحریف، نه تنها مصرف آن در آیین زرتشت قبیح نبود، بلکه فوایدی هم برای آن برشمرده و و درمناسبت های مذهبی از آن استفاده می کنند [۲۷].

حلال در آیین منداییان

در آیین منداییان یا همان صابئین مغتسله که درخوزستان به صبی معروف هستند جهان بینی ای

University: The Legacy of the Hebrew Bible. p. 92.
ISBN 978-0-595-25619-8

Journal of Halal Research

"de lingo autem scientiae boni et mali he comedas...Szpek, Heidi. Voices from the
مجله پژوهشنامه حلال

فلس (پولک) و باله باشند، کوشر هستند. گوشت حیوان غیر نشخوارکننده پاک نیست.^{۱۲}

یهودیان شراب و نوشیدنی های مست کننده را پلید می دانند و از آن اجتناب می کنند؛ «خداوند هارون را خطاب کرده گفت: تو و پسرانت با تو چون به خیمه اجتماع داخل شوید، شراب و مسکری منوشید، مبادا بمیرید؛ این است فرضیه ابسودی در نسل های شما».^{۱۳}

یهودیان معتقدند پیشینه این حلال و حرام ها مربوط به حضرت ابراهیم و یعقوب است و آنها به روش ایشان عمل می کنند [۲۹]؛ البته آیات قرآن برخی از تحریم ها را ناشی از نافرمانی یهود از دستورات الهی و جهت مجازات آنها می داند؛ «فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طُلُقِيَّاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ» (سوره نساء/ ۱۶۰)

حلال در آیین مسیحیت

هرچند در عهد جدید و به عقیده مسیحیان، مسیح (ع) صراحتاً اعلام کرده است: «گمان مبرید که آمده ام تا تورات موسی و نوشته های سایر انبیا را منسوخ کنم، من آمده ام تا آنها را تکمیل نمایم و به انجام رسانم... پس اگر کسی از کوچک ترین حکم آن سرپیچی کند و به دیگران نیز تعلیم دهد که چنین کنند، او در ملکوت آسمان از همه کوچک تر خواهد بود...»^{۱۴} اما اغلب مسیحیان پس از مسیح تحت تأثیر آموزه های پولس، اساس شریعت در این آیین را قبول ندارند و چنانچه پولس گفته است: «ما نسبت به شریعتی که موجب بردگی ما بود، مرده ایم

همانند زرتشت دارند نیز قواعد فراوانی برای حلال و حرام وجود دارد. منداییان از هر گوشتی برای خوردن استفاده نمی کنند و مراسم خاصی برای ذبح پرندگان یا گوسفند دارند. آنها پرندگانی را ذبح می کنند که از گوشت تغذیه نکنند چنگال نداشته باشند مثل عقاب و شاهین و قرقی؛ چرا که اعتقاد دارند ذبح آنها حرام است. اما از چهارپایان فقط از گوشت گوسفند نر استفاده می کنند. گوسفند قربانی نباید بیمار باشد و هیچ زائده غیرمعمول و غده ای نداشته باشد، وگرنه ذبح نمی شود. ذبح حیوان بدین شکل است که ابتدا آن را در آب شستشوی آیینی داده، سپس به گوزه ای که با زمین تماس نداشته باشد او را در هوا نگهداشته، سرش را می برند. چون زمین مرز عالم پست و ظلمت محسوب می شود، حیوانی که شستشو داده شده و آماده ذبح است، نباید با زمین تماس پیدا کند [۲۸].

حلال در ادیان ابراهیمی

کوشر و یهود

فقه یهود تمام جنبه های زندگی یک یهودی را در بر می گیرد و تعالیم شریعت یهود در زمینه غذا، کوشر نامیده می شود. قوانین کوشر مربوط به خود خوراکی ها، ترکیبات خوراکی ها و دستگاه ها و ظروف تولید و مصرف آن ها می شود و هر کدام، شرایط و ضوابط مربوط به خود را دارد.

بر پایه قوانین کوشر، خوردن خوک، شتر، حیوانات و پرندگان گوشتخوار و نوشیدن خون جانداران، مجاز نیست. فقط جانوران دریایی که دارای

^{۱۲} سفر لاویان فصل یازدهم

^{۱۳} سفر لاویان، فصل ۱۰: ۹
^{۱۴} انجیل متی، فصل ۵، آیه ۱۷

حلال و پاک و خوردن و آشامیدن و امور مرتبط با آنها اشاره شده است. [۳۱].

در کلام حضرات معصومین علیهم السلام، بزرگان دین، علما و فقهای اسلامی نیز، مسأله حلال جزء مسائل اصلی و حیاتی بشر عنوان شده و به اثرات مادی و معنوی حلال، اهمیت و جایگاه آن، بیان مصادیق و موارد حلال و حرام اشاره شده است و در تمام کتاب های مفصل روایی، روایات مرتبط با حلال خصوصاً در خوردنی ها آشامیدنی ها به چشم می خورد و باب صید و ذباحت و اطعمه و اشربه فصل های مستقلی را به خود اختصاص داده اند. برای شناخت مسایل حلال و حرام و آشنایی با نظر اسلام نسبت به خوراکی ها و آشامیدنی های حلال، می توان به مقالات و کتب متعدد در این رابطه مراجعه کرد.

فلسفه حلال و حرام

حلال و حرام های اعلام شده در اسلام با هدف نیل بشر به سلامت و سعادت آمده است؛ چنانچه در کلام امام رضا علیه السلام آمده است: «خداوند تبارک و تعالی هیچ خوردنی و نوشیدنی را حلال نکرده است، مگر آن که در آن منفعت و صلاحی بوده و هیچ خوردنی و نوشیدنی را حرام ننموده، مگر آن که در آن ضرر و مرگ و فساد بوده است» [۳۲]. چنانچه در روایات اهل بیت علیهم السلام به وضوح بیان شده است، حلال و حرام ها در اسلام صرفاً جنبه تشریح و تعبد ندارد و با هدف منفعت و صلاح نسل های بشر است جنبه های مختلف جسمی، روانی، معنوی، اجتماعی و روحانی را دربر می گیرد [۳۳]. می توان

و از این پس باید خدا را به وسیله روح القدس خدمت کرد، نه مانند گذشته که از قوانین نوشته شده اطاعت می کردیم»^{۱۵} به مخالفت با شریعت می پردازند؛ بنابراین در مسیحیت، خوردن هر چیزی که قابلیت برای خوردن داشته باشد، ممنوعیتی ندارد و خوردن هیچ چیزی حرام نیست؛ «هیچکس با خوردن چیزی نجس نمی شود، چیزی که انسان را نجس می کند سخنان و افکار بد اوست»^{۱۶} لچه اینکه اساساً حکم حلال و حرام در این آیین موضوعیت ندارد و حتی در آموزه های آنها تعریف و تمجید از شراب در زبان حضرت مسیح نیز به چشم می خورد! البته فرقه آدونیسست های روز هفتم در میان مسیحیان از قوانین رژیم غذایی عهد قدیم تبعیت می کنند و از خوردن گوشت و مستکننده ها پرهیز می کنند [۳۰].

حلال در اسلام

چنانچه در مقدمه بیان شد، اصطلاح حلال از اصطلاحات خاص شریعت اسلامی است که از روح و معنای عمیق برخوردار است. در شریعت اسلامی به مسأله حلال و حرام در خوراکی ها و آشامیدنی ها و سایر حوزه های آن توجه بسیار شده است و در قرآن کریم به انسان دستور توجه و دقت در خوراکش داده شده است؛ «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (سوره عبس/ ۲۴)

در ادبیات دینی درباره خوردن و آشامیدن، نوع و کیفیت طبخ، تولید و نگهداری چگونگی به دست آوردن طعام، دستورات فراوانی دیده می شود؛ در آیات فراوانی از قرآن (بیش از ۲۵۰ آیه) به بحث

^{۱۶} انجیل متی، فصل ۱۵، آیه ۱۱

^{۱۵} رساله پولس به رومیان، ۱۲: ۴؛ ۷: ۵ و ۷: ۹

پیشنهادات

با توجه به تعریف ارایه شده، شایسته و بایسته است که به تعریف حلال در هرکدام از حوزه های خاص آن توجه شود و برای اصطلاح حلال در هر کدام از حوزه های مطرح، تعریفی دقیق، علمی، روشن، مناسب و جامع و مانع ارائه گردد. از این رو از مناسب است عالمان، اندیشمندان و پژوهشگران هر حوزه ای که واژه حلال بر آن اطلاق شده یا می‌گردد، تعریفی در خور شأن از واژه مذکور ارائه کنند و به طور ویژه، حلال در موارد ذیل را تعریف نمایند: رزق حلال، خوراکی و آشامیدنی حلال، هنر حلال، لوازم آرایشی و بهداشتی حلال، معماری حلال، بانکداری حلال، اقتصاد حلال، ورزش حلال، گردشگری حلال، داروی حلال، مدل و لباس حلال (فشن) رسانه حلال (مدیا)، و.....

تعارض منافع

نتایج حاصل از این مطالعه با منافع دیگر نویسندگان در تعارض نمی‌باشد.

برای هرکدام از حلال و حرام ها با استفاده از منابع دینی و علم روز، حکمت و دلیل خاصی بیان نمود که مقالی مستقل و پژوهشی ویژه می‌طلبد. درباره پیامدها و آثار حلال و حرام نیز سخنان بسیاری از پیامبر اسلام و اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است [۳۴].

نتیجه گیری

چنانچه در این مقاله به تطور معنایی- تاریخی «حلال» پرداخته شد، فهم و برداشت صحیح و دقیق از هر علم، مفهوم و مقوله ای است که در اولین گام خود نیازمند رمزگشایی از واژگانی است که آن مسأله را موجودیت می‌بخشند و دریافت نادرست از مفاهیم و واژگان یک علم، تفسیر نادرستی از آن را به همراه دارد. به تفصیل روشن‌گردید که حلال در لغت به معنی گشودن و باز شدن گره و راحتی است و در اصطلاح هم حکمی وضعی است متناسب با معنای لغوی و نه حکم تکلیفی؛ و با همین تعریف دقیق مشخص می‌شود علت رواج و توسعه این واژه و کاربرد آن در مسایل علوم مختلف و شاید هر چیز و هر جا تناسب آن با معنای حقیقی مفعول حلال که مناسب ذوق و نگاه شارع مقدس نیز هست، می‌باشد.

The Semantic-Historical Evolution of "Halal"

Hamed Sadeghi¹, Nafiseh Sadeghi^{2*}

1- *Seminary professor and member of the faculty of National Halal Research Center..
Department of Drug and Food Control, School of Pharmacy, Tehran University of
Medical Sciences, Tehran, Iran*

Received: 24 July 2018*Acceptance:* 6 October 2018**ABSTRACT**

The correct and accurate understanding of any meaning or concept in its first step requires the decoding of a vocabulary that has the task of transferring that meaning to others. The lack of proper understanding of the vocabulary of a science leads to an incorrect interpretation of it, and the exact recognition of that vocabulary has a significant contribution to the precise and complete understanding of the problems of that science. In this research, the semantic-historical evolution of the term "Halal" has been studied in various religions and sects and discussed etymologically; the history of Halal and Haram from Adam's creation and in the religions of Hinduism, Buddhism, Zoroastrianism and Abrahamic religions have been discussed. In addition, by giving a detailed and precise picture of this term as well as the expression of its history, it has provided a way for researchers in this vast field. The word "Halal" literally means opening, relief and comfort. In terms of jurisprudence, "Halal" is a Ruling of Situation (al-hukm al-wazie) not a Ruling of General (al-hukm al-taklifi). Other words in the religious literature and today's usages have been used in the same sense; for example, the words pure (Tayyib), green, Islamic, healthy, clean, pleasant and pleasing, but the most comprehensive and most common is the word "Halal." From the Islamic viewpoint, Halal is not just an order that should be obeyed, but also entails the benefit, pleasure, and calm of the generations of humanity in various aspects such as physical, mental, and psychological aspects. Furthermore, the use of the halal products brings health and happiness together. This paper is a fundamental research using a descriptive-analytical method in a library way.

Keywords: Halal , Historical evolution , Health and happiness , Ruling of Situation (al-hukm al-wazie) , Comfort

*Correspondance to: Nafiseh Sadeghi, nsadeghi@sina.tums.ac.ir, Tel.: 021- 66487934

[view Journal](#)

<https://doi.org/10.30502/H.2019.88070>



This paper is open access under [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International](#) license

References

- *Holy Quran
1. Ibn Sidah, Al-Muḥkam wa-al-muḥit al-azam. Cover 2, no name, 1421ah [In Arabic]
 2. Ibn Shihab al-Zuhri, Language refinement, House revived Arab heritage, Beirut, edition third, 1414ah. [In Arabic]
 3. Ibn Manzur- Mohammad-Ibn Mokrem, Lisan Al-Arab, House revived Arab heritage, Beirut, edition third, 1414ah. [In Arabic]
 4. Mohammad-ben-Mohammad-Zeybodi, Taj al-Arus, House revived Arab heritage, Beirut, edition fist, 1414ah [In Arabic]
 5. Mahna-Abdollah-Ali, Lessan-AL-Lessan, House revived Arab heritage, Beirut, First edition, 1413ah. [In Arabic]
 6. Al-Khalil ibn Ahmad al-Farahidi, Kitab al-'Ayn, Daar-Al-Hojre Institution, Qom, second edition, 1409ah. [In Arabic]
 7. Muhammad ibn Yusuf al-Harawi, Al-Bahr-Al-Javaher-mojam-natural medicine, Daar-al-Hojreh, Qom, First edition, 1378 [In Arabic]
 8. Al-Raghib al-Isfahani, Al-Mufradat fi Gharib al-Quran, Daar-Al-Qalam, Tehran, second edition, 1374 [In Persian]
 9. Tarihi-Fakhroddin-Ben-Mohammad, Al-Majma-Al_Baherain, Mortezaavi, Tehran, third edition, 1375 [In Arabic]
 10. Fouad Ephrem Boustany, Abjadi Dictionary, Islamic Publications, Tehran, second edition, 1375. [In Persian]
 11. Tabatabai ,MH, Tafsir al-Mizan, Islamic Publications, Tehran. [In Persian]
 12. Badri T, Lexicon of Comparative Jurisprudence Vocabulary, Tehran, First Edition, 1428ah. [In Arabic]
 13. Mohammad Ali, altahanvi, Kashaf Istilahat al-funun wa-al-'ulum, cover 2, maktab-lohnan-nasherun (publication), 1996 [In Arabic]
 14. Yusuf al-Qaradawi, Halal and Haram in Islam's point of view, Al-matabat-vahbat publication, Cairo, 1311ah, 2112m [In Arabic]
 15. Mahmud-Hamed-Osman, alqamus almuḥib fi 'iistilahat al'usuliyn (Dictionary shown in the conventions of the fundamentalists), Daralzahem, Firsṭ edition, 1423ah, [In Arabic]
 16. Muhammad Jamaluddin al-Makki al-Amili, Hossein-Ben-Yusef, Rules for inferring rulings, Qom, First edition, 1391.ah [In Arabic]
 17. Feqh School site www.eshia.ir/feqh
 18. Ragheb Esfahani, H. Vocabulary of Quranic words, Vol.1, P:453
 19. Hassan-Khaled-Ramezan, Usul al-Fiqh, Cairo, First edition, 1418ah. [In Arabic]
 20. Abdul Ali Aroussi Howayzi, Tafsir Noor al-Thaqalayn, First and second cover, Scientific publications, Qom, 1421ah [In Arabic]
 21. Holy Bible, no 1364, genesis Journey, season 2, no 17 and third season, no 23. [In Persian]
 22. India targets cow slaughter by Jyotsna Singh, BBC correspondent in Delhi - Monday, 11 August 2003, 15:52 GMT)
 23. Gabriel A, compilation and translation of Buddhism teachings, no name, no date. [In Persian]
 24. Jamasp Ji Dastur Minocher Ji Jamasp-Asana, Pahlavi texts, Saeed Oryan reseach, Cultural Heritage Organization, Tehran, 1382. [In Persian]
 25. Amuzegar Z, Tafazoli A, translation of the Denkart Book, Iraninan Culture Foundation, Tehran, 1386. [In Persian]

26. Book of Arda Viraf, with the efforts of Rahim Afifi, University OF Mashhad, Mashhad, 1342. [In Persian]
27. Nodehi K, Masud Kasiri M, The effect of Zoroastrian health teachings on the food medicine of the ancient Iranians, traditional medicine of Islam and Iran, winter 1392, year 4, no 4. [In Persian]
28. Arabestani M, Sabeen Mandaee, Cosmology of structure and aspects, Journal of eastern art and civilization, number 19, spring 1397. [In Persian]
29. Makarem Shirazi N, Sample interpretation, Tehran Islamic book house, first edition, 1374. [In Persian]
30. Leo Rosten, Analytical culture of American religions, translated by Mohammad Baghaee (Makan), publication of Hekmat, Tehran, 1376. [In Persian]
31. Hashemi Rafsanjani A, Guide interpretation, Qom, Book Garden, 1386. [In Persian]
32. Noori M, Mostadrac Alvasaeh. Vol.16. moaseseh ale byt aly hemisalam . 1408ah [In Arabic]
33. Al-Shaykh al-Saduq, Man La Yahduruhu al-Faqih book, cover 3, Almai Instutution, 1406ah [In Arabic]
34. Ghasemi Ma, Halal sustenance, the effect of Haram food on human destiny, Qom, Noor Al Zahra, 1388.